

گرانی از اینجا تا کجا؟

صفحه ۳

خیانت کی روش به هواداران شد

صفحه ۱۴



حرکت عظیم‌ترین فیلم دنیای اسلام برای اکران جهانی آغاز شد

انتشار پوستر فیلم محمد (ص)

صفحه ۱۳



تیتربهای امروز

امروز آلمان در سنا درباره «نقشه راه» گزارش می‌دهد

صالحی: محرمانه نداریم!

صفحه ۲

نشست خبری اولین دوره رصدنمای ملی «عین» برگزار شد

۲۱۷ محصول فاخر عفاف و حجاب

صفحه ۱۳

کشف ۲ میلیون قرص و آمپول روانگردان

صفحه ۴

عملکرد منفعلانه سازمان سینمایی ارشاد از ابتدا تاکنون

شکار گرگدن با قلاب

صفحه ۱۳

نکته

بهنوش بختیاری، توافق، بقالی و سلمانی و یک روز نامه عصبانی

محسن جندقی

توهین کم‌سابقه یک روزنامه اصلاح‌طلب به بهنوش بختیاری بازیگر طنز و کمدی سینما و تلویزیون می‌تواند نشان دهد میزان تقدیربردی مدعیان روشنفکری چقدر است. برخی اصلاح‌طلبان برخلاف تقدیربردی و حمایت از آزادی بیان که بر چهره خود زده‌اند همواره نشان داده‌اند از نعمت تحمل صدای منتقد بی‌بهره‌اند و در صورت مشاهده نظر مخالف، انواع و اقسام توهین‌ها و تهمت‌ها را به طرف مقابل می‌زنند. یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب



بهنوش بختیاری را با الفاظ سخیف خود بمباران کلمات موهن کرد، چراکه وی در جایی گفته بود: «دوست دارم جامعه‌شناسی بخوانم تا مثلا بعد از توافق هسته‌ای سریع ذوق‌زده بشوم». این روزنامه در مطلبی با تیترب «واسه‌نونه واسه نونه» نوشت: «بهنوش بختیاری یک بازیگر طنز و شومن است و اندازه همان سلمونی با بقال می‌توان روی نظرش حساب کرد و پس ضمن اینکه چون نیازمند حضور در صداوسیماست و چنین حرف مضحکی زده، حتما به اندازه افراد عادی هم نظرش ارزش ندارد. هر کسی حرفش به اندازه خودش ارزش دارد و دلکف به اندازه خودش...»

۱- این مطلب در دفاع از بهنوش بختیاری نیست بلکه نقدی است بر تقدیربردی طرف مقابل. اگر از این موضوع به راحتی بگذریم که بهنوش بختیاری قدرتمندترین زن ایرانی در شبکه‌های اجتماعی است و هواداران بسیاری دارد، وی را می‌توان یک زن فعال ایرانی دانست. اصلا بهنوش بختیاری را نماینده زنان خیلی معمولی ایرانی حق اظهارنظر درباره مسائل روز مملکت را ندارند؟! اصلا همین عدم تقدیربردی بیابگر خودبزرگ‌بینی و خودبرترینی نویسنده است. البته این نگاه از بالا به پایین در میان نخبگان دولت فعلی نیز مسبوق به سابقه بوده تا جایی که یکی از نزدیکان دولت از اظهارنظر رانندگان تاکسی درباره انرژی هسته‌ای نیز انتقاد کرده بود.

۲- نویسنده‌ای که به بهنوش بختیاری توهین کرده، وقیحانه نوشته روی نظری وی به اندازه همان بقال و سلمونی می‌توان حساب کرد! ادامه در صفحه ۱۱

همزمان با افزایش احتمال بازگشایی سفارت انگلیس بی بی سی مجوز ساخت مستند هسته ای در ایران گرفت!



صفحه ۲

صدای پای روباه

بی‌مسئولیتی مسؤلان و بلاتکلیفی نخبگان

امیر استکی

نگاه امروز

سکوت در میانه یک بحث داغ، اتفاقی که شاید برای همه دانشجویان و اساتید و تحصیلکردگان در آن زمینه مشاهده نمی‌شود. پرسشی که همانا این خواهد بود که آینده ما چه خواهد شد؟ آینده علمی که در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است و باید در چپتی پیش برده شود که با تعهدات ما در برجام تداخل نکند. پیشاپیش مشخص است بار این مسؤولیت بر دوش هیچکس نیست و جماعت زیادی از نخبگان مرتبط با این مسائل به قضا و قدر و دست روزگار سپرده خواهند شد و به خیل انبوه تحصیلکردگان رهاشده و بلاتکلیف جامعه اضافه خواهند شد. تحصیلکردگانی که روزی به خاطر سیاست‌های

کنترلی دولت‌های پیشین به ورطه دانشگاه کشانده شدند. دولت‌هایی که هیچ پاسخگویی انتظارات ایجادشده در این لشکر بلاتکلیف و منابلی که برای تجهیز آن صرف کرده‌اند نیستند. این مساله از آن رو مطرح شد که متعلق به همین روزهاست و درگیری و پریش تعداد قابل توجهی از تحصیلکردگان امروز کشور و کمکی به روشن شدن بی‌مسؤولیتی مسؤلان است.

اگر از ابتدای انقلاب اسلامی تا به حال لیستی مثلا از ۲ هزار نخبه‌سیاسی-بروکراتیک کلیدی در بازه‌های ۴ ساله ایجاد کنیم، به زعم ما به تشابهات بسیاری در دوره‌های ۴ ساله می‌رسیم. کما اینکه به قول آقای نوبخت، معاون رئیس‌جمهور، پس از رأی آوردن دکتر روحانی نوبت آن است گسست مختصر بافت نخبگان حاکم که در دوره قبل ایجاد شده بود ترمیم شود و دوباره رنگ‌ها و نعمت‌زاده‌ها و به مناصب کلیدی بازگردند و تشکیل کلتی را بدهند که در نهایت کشور را به فتح‌الفتوحی افسانه‌ای به نام برجام برسانند و به بهانه تاثیر تحریم بر اقتصاد متکی به نفت به ضرورت فریز کردن خیز کشور به سمت فناوری هسته‌ای برسنند! اقتصاد تک‌محصولی آسیب‌پذیری که این مخرج مشترک نخبگان، سی و اندی سال فرصت مقاوم کردن داشتند و امروز مسؤولیت ضعف عملکرد خود را نه تنها بر عهده نمی‌گیرند بلکه در طنزی جذاب مقصران اصلی، منتقدان اصلی نیز شده‌اند و اینجاست که باید به مدد آنچه در مقدمه اول خود به آن پرداختیم، بهتر زده و آچمز شد و سکوت کرد.

مگر قطعنامه کاغذپاره است؟

نسبت حقوقی برجام و قطعنامه

حیدر رحیمی نژاد

قطعنامه است نه توافق. اگر قطعنامه درباره تسلیحات موشکی مسائل مختلفی آمده که ما هم گوش نمی‌دهیم، قبول هم نداریم! این روزها اظهار نظرهایی از این سنخ در فضای سیاسی کشور زیاد شنیده می‌شود، اظهار نظرهایی که ریشه در ابهام نوع رابطه حقوقی توافق هسته‌ای (برجام) و قطعنامه شورای امنیت و مسائل حقوقی ناشی از آنها دارد.

یکی از مسائل اصلی که زمینه این ابهامات را فراهم آورده این بحث است که نسبت حقوقی قطعنامه و برجام چگونه است؟ در واقع همان‌طور که در توضیح بند ۱۸ برجام تاکید شده است «مفاد این قطعنامه (شورای امنیت) به منزله مفاد برجام نیست». این جمله به این معناست که از نظر حقوقی برجام و قطعنامه ۲ سند حقوقی مجزا از یکدیگرند ولی این امر به این معنا نیست که این دو سند روی یکدیگر تاثیرگذار نباشند. حال باید دید آثار حقوقی این جدایی و همچنین ارتباط این دو سند با هم چگونه است.

یکی از نتایج حقوقی جدایی قطعنامه از برجام این امر است که نقض قطعنامه نقض برجام به حساب نمی‌آید و بر این اساس در این صورت برجام نقض نشده است اما نقض قطعنامه به تنهایی نیز دارای آثار حقوقی است. از آنجا که قطعنامه شورای امنیت طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد برای تمام کشورهای عضو الزامی است، کشورهای که قطعنامه‌های سازمان ملل احکامی را بر آنها اعمال می‌کند موظف به رعایت آن هستند و نقض قطعنامه برای آنها مسؤولیت بین‌المللی به همراه دارد.

شاید اینچنین گفته شود که در طول پرونده هسته‌ای قطعنامه‌های دیگری نیز توسط شورای امنیت درباره ایران صادر شده بود که جمهوری اسلامی ایران به خاطر تغییر با امنیت و مصلحت کشور آنها را اجرا نکرد و در این مورد نیز جمهوری اسلامی ایران می‌تواند قطعنامه را اجرا نکند. این امر صحیح است و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت علی‌الاصول برعهده خود کشورهاست اما باید در نظر داشت درباره قطعنامه‌های گذشته جمهوری اسلامی ایران به دلیل ناعادلانه دانستن احکام صادره از اجرای آن صرف‌نظر کرد و این عدم اجرا خود باعث اعمال تحریم‌های بیشتری علیه جمهوری اسلامی ایران شد در صورتی که قطعنامه حال حاضر از نتایج توافق صورت گرفته بین جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ است و ایران علی‌الاصول نمی‌تواند به این قطعنامه اعتراضی داشته باشد.

یادداشت امروز

هرگز یک انقلابی را تهدید نکنید!

حسین قدیانی

هر چند مخاطب، خانم موگرینی بود لیکن «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» محکم‌ترین جمله وزیر امور خارجه تلقی شد ظرف این



سال آخر!

فی‌الحال بر جناب ظریف و سایر مردمان دستگاه دیپلماسی فرض است حرمت این جمله را نگه دارند و الا «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید»، با همه زیبایی، حکایت باد هوا می‌شود! «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» اگر متجلی در رفتار و گفتار وزارت خارجه شود، حکما بیشتر به دل می‌نشیند. اینک باید پرسید: «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» چقدر در سکنات تیم دیپلماسی مشاهده می‌شود؟ هیچ آیا مشاهده می‌شود؟ آمدیم و دشمن قداره‌بند، نه یک ایرانی، بلکه کل ملت ایران را علی‌الدوام تهدید کرد و حتی پس از توافق خسته هسته‌ای هم باز گزینه نظامی روی میز را به رخ همگان کشید! در آن صورت، تکلیف چیست؟ تکلیف «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» چیست؟ آمدیم و مثل همین روزها آقای اوپاما مدعی شد «بعد از توافق هسته‌ای، گزینه‌های فشار علیه ملت ایران را به صورت مضاعف برای جانشین خودم تضمین می‌کنم!» ناظر بر «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» چه باید باشد و کنش دکتر ظریف و الباقی همکاران؟ این جمله «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» را همین‌طور گفتم که گفته باشیم یا نه، تعهدی هم در مقام عمل بدان داریم؟ بگذار کتمان نکنم! بعضی بر این باورند «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» بیشتر یک «شوی تبلیغاتی» بود تا معیار و ملاکی برای حرکت عزت‌مندانه وزارت امور خارجه! من اما بنای داوری ندارم که این قضاوت، تا چه حد منطبق بر واقعیت است! فقط یک چیز می‌دانم! اخیرا «وزیر خارجه شیطان بزرگ» در جلسه شورای روابط خارجی، سخنان بسیار قابل تاملی بیان داشت: «چند ماه پیش یک محموله حاوی کمک‌های انسان‌دوستانه از سوی ایران رهسپار یمن شد. خیلی زود با ظریف تماس گرفتم و هشدار دادم این کار می‌تواند برهم زنده خیلی چیزها و باعث این نبرد جدی شود و ما هرگز آن را تحمل نمی‌کنیم. وزیر خارجه ایران، اندکی بعد خودش با من تماس گرفت و گفت قرار نیست این محموله به ساحل یمن برسد یا حتی از آب‌های بین‌المللی خارج شود! چند روز بعد هم این کشتی تغییر مسیر داد و راهی کشور خودشان یعنی ایران شد!» نگارنده بعد از بستن گیومه، باعث و تکلیف این سخن را «علامت تعجب» کردم ولی ای کاش می‌شد جلوی این اظهار نظر «جان کری»، هزران علامت تعجب گذاشت! «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» خطاب به خانم موگرینی بیان شد که برسیم به این سخنان آقای کری؟ حقا که خسته نباشید! از قرار تهدید یک ایرانی که جای خودش را دارد، حتی می‌توان محموله حاوی کمک‌های بشردوستانه ملت و دولت ایران را هم با یک تماس تلفنی، کان‌لم‌یکم تلقی کرد!

براستی این بود آخر و عاقبت «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید»؟! گیرم جمهوری اسلامی عزم کرده به ملتی از ملل دنیا که تحت ستم و ظلم، روزگار را از گار سیر می‌کنند، کمکی خیرخواهانه کند شامل مقادیری لباس، دارو، غذا و چند بطری آب معدنی! یعنی برای این بدوی‌ترین و بدبهی‌ترین عمل ممکن هم، اذن باید از آمریکا بگیریم؟ چه می‌کنند آقایان با آبرو و حیثیت نظام مقدس جمهوری اسلامی؟ چه می‌کنند؟ «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» که درجه آخر، خودش را در این ۲ تماس تلفنی نشان داد لیکن عالیجنابان! با این دست فرمان‌تان اگر «هرگز یک انقلاب را تهدید نکنید» لطف کرده‌اید به برند خمینی و خامنه‌ای و شهدای‌شان. در ضمن یک انقلابی را هم هرگز تهدید نکنید! سخن به زبان تکریم باید گفت با پیچه‌های انقلاب! پیچه‌های انقلاب، زبان انگلیسی را خوب می‌فهمند اما خوابش را ببینید که زسان زور را تحمل کنند! این را هم به دشمنان گفتم، هم به بعضی از این داخلی‌ها که سال ۸۸ «حق‌الناس» را رعایت کردند، نه امروزه «حق سخن» را! آری! ادبی دارد بیان برای خود. مبادی این آداب نباشیم به سرنوشت جمله «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید» مبتلا خواهیم شد!